

Comparative Analysis of the Use of Grammatical Metaphor in the Novel *Wuthering Heights* and its Two Translations by Reza Rezaei and Noushin Ebrahimi from the Perspective of Halliday's Systematic-Functional Grammar

Sedighesadat Meghdari¹

Assistant Professor of Linguistics, Payam-e Noor University, Tehran, Iran (Corresponding author)

[HTTPS://ORCID.ORG/0000-0002-9262-830X](https://orcid.org/0000-0002-9262-830X)

Shirin Saghi²

MA Student of General Linguistics, Payam-e Noor University, Tehran, Iran

[HTTPS://ORCID.ORG/0009-0001-8520-5990](https://orcid.org/0009-0001-8520-5990)

Received: February 3, 2025 ✦ Revised: February 18, 2025

Accepted: February 22, 2025 ✦ Published Online: June 07, 2025

How to cite this article:

Meghdari, S., & Saghi, S. (2025). *Comparative Analysis of the Use of Grammatical Metaphor in the Novel Wuthering Heights and its Two Translations by Reza Rezaei and Noushin Ebrahimi from the Perspective of Halliday's Systematic-Functional Grammar*. *Journal of Linguistics and Khorasan Dialects*, 17 (1), 135-162. (in Persian with English abstract)

<https://doi.org/10.22067/jlkd.2025.91951.1300>

Abstract

Today, the importance and necessity of translation in improving the intellectual, cultural, scientific, and social lives of humans is evident. Therefore, this research aimed to quantitatively and qualitatively analyze the translation of grammatical metaphors in two translations of the novel *Wuthering Heights* as one of the most notestanding and widely studied novels in a large number of languages written by Emily Bronte and two translations of it by Reza Rezaei and Noushin Ebrahimi. Halliday and Matthiesen's (2004) Functional-Systematic Grammar was used as the theoretical framework. Grammatical metaphor was studied in the original novel and its two translations. The results showed that in the translations of Ebrahimi and Rezaei, less grammatical metaphor is used than the original text of the novel. The comparison of translations also showed that more grammatical metaphors are used in Ebrahimi's translation than in Reza'i's translation.

Keywords: *Wuthering Heights*, Emily Bronte, Grammatical Metaphor, Reza Rezaei, Noushin Ebrahimi.

1. Email: s_meghdari@pnu.ac.ir

2. Email: shirin.saghi1995@gmail.com



Authors retain the copyright and full publishing rights. This is an open access article distributed under article distributed under [Creative Commons Attribution 4.0 International License \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).



تحلیل تطبیقی کاربرد استعاره دستوری در رمان بلندی‌های بادگیر و دو ترجمه از آن توسط رضا رضایی و نوشین ابراهیمی از منظر دستور نظام‌مند نقشی هلیدی

صدیقه سادات مقداری

استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)^۱

<https://ORCID.ORG/0000-0002-9262-830X>

شیرین ساقی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.^۲

<https://ORCID.ORG/0009-0001-8520-5990>

صص ۱۳۵-۱۶۲

ارجاع به این مقاله:

سادات مقداری، ص.، و ساقی، ش. (۱۴۰۴). «تحلیل تطبیقی کاربرد استعاره دستوری در رمان بلندی‌های بادگیر و دو ترجمه از آن توسط رضا رضایی و نوشین ابراهیمی از منظر دستور نظام‌مند نقشی هلیدی»، زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، بهار، صص ۱۳۵-۱۶۲.

<https://doi.org/10.22067/jllkd.2025.91951.1300>

چکیده

در این تحقیق در تحلیلی تطبیقی، نحوه کاربرد و میزان ترجمه استعاره دستوری را در رمان «بلندی‌های بادگیر»^۲ نوشته امیلی برونته^۳ و دو ترجمه از آن توسط رضا رضایی (۱۳۹۰) و نوشین ابراهیمی (۱۳۹۱) به‌لحاظ کمی و کیفی بررسی شد. برای انتخاب تصادفی داده‌ها، سه فصل از اول، وسط و آخر رمان و ترجمه‌های آن، یعنی فصل اول، فصل پانزدهم و فصل سی و چهارم بررسی شده‌اند. چارچوب نظری پژوهش دستور نظام‌مند نقشی هلیدی و متسین^۴ (۲۰۰۴) انتخاب شد و سپس انواع استعاره دستوری با توجه به سه فرانش اندیشگانی، بینافردی و متنی به‌لحاظ کمی و کیفی بررسی شدند. از آنجاکه ساخت‌های نشان‌دار حاوی استعارات دستوری می‌باشند و این ساخت‌ها در انتقال مفهوم معنایمانده بوده و گفتمان‌مدار هم محسوب می‌شوند، لذا تحلیل نحوه و میزان کاربرد آن‌ها مخصوصاً در متون ترجمه شده حائز اهمیت است؛ چراکه درک خواننده در چارچوب توانش زبانی و دانش دایره‌المعارفی اوست، لذا همان‌طور که در ترجمه استعارات واژگانی لازم است مترجم با در نظر گرفتن تفاوت‌های زبانی و فرهنگی خواننده متن مقصد، معادل‌یابی صحیح و مناسبی برای استعارات داشته باشد، در ترجمه استعاره‌های دستوری نیز لازم است مترجم به استعاره‌های دستوری متن مبدأ توجه آگاهانه بیشتری داشته باشد تا به‌جای حذف استعاره دستوری و ترجمه آن به‌صورت غیر استعاری، معادل‌یابی معنایی و کاربردی درست‌تر و مناسب‌تری ارائه دهد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که در ترجمه‌های ابراهیمی و رضایی، استعاره دستوری کمتری نسبت به متن اصلی رمان، به‌کار رفته است. مقایسه ترجمه‌ها نیز نشان می‌دهد که در ترجمه ابراهیمی، استعاره‌های دستوری بیشتری نسبت به ترجمه رضایی به‌کار رفته است.

کلیدواژه‌ها: بلندی‌های بادگیر، امیلی برونته، استعاره دستوری، رضا رضایی، نوشین ابراهیمی.

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵؛ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰؛ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴؛ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

پست الکترونیکی:

1. Email: s_meghdari@pnu.ac.ir

2. Email: shirin.saghi1995@gmail.com

3. Emily Brontë

4. Halliday & Matthiessen

۱. مقدمه

لطفی پور ساعدی (۷۹:۱۳۷۱) وظیفه مترجم را فراهم آوردن شرایط و مهیا کردن زمینه‌ای می‌داند که در آن نویسنده متن اصلی و خواننده زبان مقصد بتوانند با یکدیگر به تعامل و تأثیر متقابل بپردازند و چنین شرایط و زمینه‌ای موقعی مهیا است که متن زبان مقصد از نظر ارزش ارتباطی با متن زبان مبدأ «معاذل» و «یکسان» باشد. در ترجمه انواع متون، ترجمه متون ادبی به دلیل ماهیت پیچیده این متون، اهمیت ویژه‌ای دارد. نایدا ترجمه ادبی را فرایندی اجتماعی، فرهنگی و حتی ایدئولوژیکی می‌داند و از نظر وی، مترجم نه تنها با عناصر صوری دوزبان بلکه با مقولات فرهنگی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و معناشناسی سر و کار دارد. هیچ ترجمه‌ای هرچند فاضلانه، از ارزش واقعی برخوردار نیست، مگر آن‌که دست‌کم بخشی از لذت متن اصلی را به خواننده بدهد (نایدا، ۱۳۶۵: ۲۶). از این نظر، ترجمه استعاره نیز از مباحث قابل طرح مخصوصاً در متون ادبی است.

از زمان انتشار مقاله لاکوف و جانسون^۱ (۱۹۸۰) با عنوان «استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم»، تحقیقات بین‌رشته‌ای بسیار روزافزونی مرتبط با استعاره توسط زبان‌شناسان، روان‌شناسان، دانشمندان علوم شناختی و دانشمندان علوم اعصاب انجام شده است. آستین^۲ (۲۰۲۳) اذعان می‌دارد که گیز و کِلستون^۳ (۲۰۱۲) به لیست نه‌تایی رویکردهای مطرح مرتبط با استعاره و زبان مجازی در گیز (۲۰۰۸) چندین رویکرد دیگر نیز اضافه می‌کنند؛ اما سیمونه و دومجن^۴ (۲۰۱۷) این رویکردها را که بسیاری با هم هم‌پوشانی دارند در چهار رویکرد خلاصه می‌کنند. درنهایت نیز هولیوک و استامنکوویچ^۵ (۲۰۱۸)، در بررسی درک استعاری در هنر، این رویکردها را در سه گروه طبقه‌بندی می‌کنند. آن‌ها چنین استدلال می‌کنند که سه گرایش اصلی در تحقیقات تجربی مرتبط با پردازش استعاره وجود دارد که به سه فرضیه متمایز اشاره می‌کنند: الف) استعاره با قیاس پردازش می‌شود. ب) استعاره با طبقه‌بندی پردازش می‌شود. ج) استعاره با نگاشت مفهومی پردازش می‌شود. تاو^۶ (۲۰۰۶) نیز اذعان می‌دارد که «استعاره» به‌طورکلی ذاتاً یک پدیده «ثانویه» در زبان است یعنی یک عبارت زبانی را فقط می‌توان به دلیل وجود یک عبارت غیراستعاری قابل مقایسه، «استعاره» نامید. یک استعاره به دلیل ماهیت مرتبه دوم ذاتی آن، دقیقاً به دلیل تضاد آن با

1. Lakoff and Johnson

2. Steen

3. Gibbs and Colston

4. Semino and Demjén

5. Holyoak and Stamenković

6. Tav

عبارات غیراستعاری می‌تواند به‌عنوان استعاره شناخته شود. استعارات دستوری نیز تحقق‌وازی- نحوی نشان‌داری از یک عبارات معنادار خاص هستند (دونینگ^۱، ۱۹۸۹). علی‌پور و همکاران (۱۳۹۵) نیز برای کشف و شناسایی استعاره در گفتمان، روش ام‌آی‌پی را معرفی می‌کنند. این روش توسط گروهی از کارشناسان استعاره به‌سرپرستی پرگلیجاز^۲ (۲۰۰۷) معرفی شد (برای اطلاعات بیشتر در مورد این روش ر.ک. علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵). بررسی تحقیقات مرتبط با استعاره مخصوصاً در ارتباط با ترجمه نشان می‌دهد که استعاره‌های مفهومی بیش از استعاره‌های دستوری مد نظر محققان بوده است (برای دیدن بخشی از این‌گونه تحقیقات ر.ک. تحقیقات بیکیان و همکاران، ۱۴۰۲؛ تقی‌پورحاجبی و همکاران، ۱۴۰۱ و عسکر مطلق و جمشیدیان، ۱۴۰۲)، لذا در این پژوهش جهت پر کردن بخشی از این خلأ تحقیقاتی مخصوصاً در ترجمه ادبی موضوع ترجمه استعاره‌های دستوری در ترجمه یکی از بلندآوازه‌ترین آثار ادبی یعنی رمان بلندی‌های بادگیر انتخاب شد. سال‌ها از انتشار این رمان بلندآوازه می‌گذرد و شهرت و تأثیر فراوان آن باعث شده است تا ترجمه‌های مختلفی از آن در ایران نیز انجام شود، از جمله اولین ترجمه از این رمان با عنوان «عشق هرگز نمی‌میرد» از «علی‌اصغر بهرام بیگی» (۱۳۳۵)، و ترجمه‌های دیگری مانند ترجمه «نگار غلام‌پور» (۱۳۸۴)، «فاطمه امینی» (۱۳۸۸)، «پرویز پژواک» (۱۳۹۸)، «رضا رضایی» (۱۳۹۰)، «نوشین ابراهیمی» (۱۳۹۱)، «مهدی سجودی مقدم» (۱۳۹۵)، «فروزنده دولت‌یاری» (۱۳۹۹)، «نعمه ظاهری» (۱۳۹۹) (ترجمه‌ای خلاصه و تصویری برای رده سنی کودک و نوجوان)، «سعیدان زندیان» (۱۴۰۱) و بسیاری موارد دیگر.

رمان «بلندی‌های بادگیر» که نخستین بار در سال ۱۸۴۷ منتشر شد، در حقیقت داستانی است که خدمتکار خانه برای مسافری ناشناس تعریف می‌کند. داستان روایت زندگی پسری کولی است که پدر و مادرش او را رها کرده‌اند و آقای ارنشا سرپرستی او را پذیرفته و بزرگش کرده است؛ اما پس از مرگ آقای ارنشا، پسر او هیتدلی که شخصیت منفی رمان است و هرگز نتوانسته با این پسر کنار بیاید او را رنج می‌دهد. از سوی دیگر کاترین دختر آقای ارنشا از او حمایت می‌کند؛ اما وقتی پسر جوان از این حمایت برداشت دیگری می‌کند و دل به او می‌بندد، با او به شیوه‌ای توهین‌آمیز رفتار می‌کند و یادآور می‌شود که او چیزی جز یک ولگرد نبوده است. از اینجا ماجرا شکلی دیگر به خود می‌گیرد و همه قصه در چرخه انتقام می‌افتد و همه درگیر این انتقام می‌شوند (خبرگزاری کتاب ایران، ۱۳۸۵ به نقل از ابراهیمی، ۱۳۹۰). رضایی (۱۳۹۰) اذعان می‌دارد که «بلندی‌های بادگیر» یا به عنوانی دیگر «عشق هرگز نمی‌میرد» بارها

1. Downing
2. Pragglejaz

به عنوان عاشقانه ترین رمان انگلیسی برگزیده شده است. این کتاب که شرح دلدادگی کاترین و هتکلیف را بیان می کند، تصویری واضح، دلنشین و درعین حال تلخی از این دل باختگی و سنگ های ست که بر سر راه آن دو افتاده است. رمان روایتی است عاشقانه که با لحنی شاعرانه تعریف شده است و به وضوح اوج تأثیر رفتارهای خوش و رفتارهای بد را در طی زمان به تصویر می کشد.

رمان بلندی های بادگیر و ترجمه های آن، به عنوان یکی از رمان های محبوب و معروف از دیدگاه ها و رویکردهای متفاوتی تحلیل شده اند؛ اما در تحلیل تطبیقی استعاری آن تا کنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. در ادامه به برخی تحقیقات صورت گرفته مرتبط با این رمان اشاره می شود.

بهادیوند چگینی و همکاران (۱۴۰۰) فرایند تولید معنا را در این رمان با رویکرد معناشناختی گفتمانی بررسی کرده اند و نشان می دهند گفتمان غالب آن، شناختی است؛ زیرا در داستان، کنش پررنگ تر از شوش مشاهده می شود. سلیمی (۱۳۹۰) با توجه به رساله زیباشناسی ادموند بورک، مفاهیم عالی و زیبا را در این رمان بررسی می کند. پوریا اصل (۱۳۹۰) نیز این رمان را از منظر روانکاوی فروید تحلیل نموده است و نشان می دهد که امیلی برونته انسانی روان رنجور بوده است که وسواس های فکری ضمیر ناخودآگاهش، یعنی علاقه روانکاوانه به مادر و عداوت با پدر را در این رمان فراقننی کرده است. ابراهیمی (۱۳۹۰) در تحلیلی تطبیقی و از منظر نظریه کتفورد یعنی تعادل در ترجمه، سه ترجمه از بلندی های بادگیر یعنی ترجمه های بهرام بیگی، غلام پور و امینی را بررسی نموده است. ربیعی و شفیع ثابت (۲۰۱۱) تأثیر ایدئولوژی جنسیتی مترجم را بر دو ترجمه فارسی از این رمان بررسی می کنند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که با وجود تشابه بسیار زیاد این دو متن در رعایت برخی اصول ترجمه، در ترجمه قسمت هایی از رمان که جهت گیری جنسیتی وجود دارد، در هر دو ترجمه ایدئولوژی جنسیتی مترجم نقش کلیدی دارد. شاملو (۱۳۹۲) نیز ایدئولوژی های گوناگون در دو ترجمه فارسی این رمان توسط امینی و رضایی را از منظر گفتمان شناسی انتقادی فرکلاف تحلیل و مقایسه می کند. جعفر بگلو (۱۳۹۴) تکنیک های مرتبط با به کارگیری عنصر تعلیق در ترجمه را با بررسی ترجمه های فارسی این رمان بررسی می کند. امینی (۱۳۸۹) با اذعان به اهمیت واژگان فرهنگی در ترجمه، رویه کاربرد واژگان فرهنگی در رمان «بلندی های بادگیر» و ترجمه های فارسی آن توسط بهرام بیگی و غلام پور را بررسی نموده است. نتایج حاکی از آن بود که اقتباس، بیشترین کاربرد و جابجایی، کمترین کاربرد را داشته است. از سایر مقالات مرتبط با پژوهش حاضر مقالاتی است که به تحلیل استعاره دستوری پرداخته اند از جمله مقاله رضویان و طاهری (۱۳۹۸) که نزدیک ترین پژوهش مرتبط با موضوع مقاله حاضر می باشد و کاربرد استعاره دستوری

در دو ترجمه از رمان طنز «سالارمگس‌ها» اثر ویلیام گلدینگ را تحلیل نموده است. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که میزان استفاده از انواع استعاره دستوری در متن اصلی رمان «سالار مگس‌ها» نسبت به دو ترجمه آن کمتر بوده است. همچنین میزان به‌کارگیری انواع استعاره دستوری در ترجمه منصوری نسبت به ترجمه رفیعی کمتر بوده است و این بدان معناست که استعاره‌های دستوری در متن اصلی رمان در ترجمه دستخوش تغییر می‌شوند. افتخاری (۱۳۸۷) به بررسی وجود استعاره در زبان فارسی از منظر هلیدی پرداخته است. یافته‌های پژوهش او نشان داد که آنچه به‌عنوان استعاره دستوری در رویکرد هلیدی مطرح شده، در زبان فارسی نیز همچون انگلیسی قابل‌بحث است. چاوشی (۱۳۹۰) نیز به بررسی فرایند «اسم‌سازی» می‌پردازد و نشان می‌دهد که این فرایند پایه و اساس تمامی اصطلاحات فنی را تشکیل داده و در خلق زبان فنی نقش دارد. رضویان و مبارکی (۱۳۹۲) با بررسی میزان و شیوه کاربرد انواع استعاره دستوری در متون ادبی و علمی تلاش کرده‌اند تا با ارائه شواهد کافی از دو متن (متن ادبی «تنگسیر» اثر چوبک و متن علمی «درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان» اثر مدرسی)، استعاره دستوری را به‌عنوان یک شاخص برای تمایز متون علمی و متون ادبی معرفی کنند نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که میزان استفاده از انواع استعاره دستوری در متون علمی بیشتر و متنوع‌تر از متون ادبی است. البته لازم به‌ذکر است که هرچند متون علمی به دلیل خلاصه‌سازی و یا مهم‌تر بودن بازنمایی کنش نسبت به کنشگر از ساخت استعاری اسمی‌سازی (نقش اندیشگانی) استفاده بیشتری می‌کنند اما این امر در مورد سایر انواع استعارات دستوری صادق نبوده و نیاز به تحقیقات بیشتری برای تعمیم این امر می‌باشد (ر.ک. خیانتزو و جینگ، ۲۰۲۱). رضایپور و عربانی دانا (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «استعاره دستوری به‌مثابه تنوع نحوی از منظر دستور نقش‌گرای نظام‌مند» صورت‌های متجانس و استعاری در گفتار ۴۷ نفر از گویشوران زبان فارسی را بر اساس متغیرهای جنسیت، تحصیلات و طبقه اجتماعی بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که متغیر جنسیت بر کاربرد صورت‌های متجانس و استعاری و همچنین کاربرد انواع استعاره دستوری گذرایی، وجهیت و اسم‌سازی تأثیر ندارد؛ اما متغیرهای تحصیلات و طبقه اجتماعی تأثیر زیادی در کاربرد صورت‌های استعاری و متجانس و همچنین در کاربرد انواع استعاره دستوری (به‌جز عدم تأثیر جنسیت بر استعاره دستوری گذرایی) در گفتار گویشوران زبان فارسی دارند. یعقوبی و آفاگل‌زاده (۱۴۰۱) به توصیف و تحلیل استعاره‌های دستوری بینافردی وجه در کتاب‌های معیار آموزش زبان تافل در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند می‌پردازند. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که بسامد این نوع استعاره‌ها در متون مکالمه بیش از متون سخنرانی

است و همچنین به ترتیب بسامد وجه خبری و پرسشی بیش از وجه امری بوده است که این امر می‌تواند ناشی از حفظ وجهه و رعایت ادب باشد.

از آنجایی که بین ساختار دستوری و کارکرد معنایی آن دو نوع الگو وجود دارد، یعنی شکل متجانس و شکل استعاری، این موضوع مبنایی نظری برای بحث در مورد الگوهای تحقق و تأثیرات ارتباطی ترجمه فراهم می‌کند. در ترجمه استعارات دستوری لازم است که مترجم با شناخت کافی از این استعارات به جای حذف مفهوم استعاری آن‌ها، معادل‌های ساختی درست و مناسبی را برگزیند زیرا یک معنا را می‌توان در ساختارهای دستوری گوناگونی بیان کرد، لذا مترجم برای دستیابی به انتقال سه فرانقش اندیشگانی، بینافردی و متنی و معادل‌یابی معنایی و کاربردی، باید در انتخاب عبارات بسیار مراقب باشد و به میل و سبک شخصی خود عمل نکند تا معنا فراتر از کلمات نباشد (خیانزو و جینگ، ۲۰۲۱). لذا هرچه درصد کاربرد ترجمه مناسب استعارات دستوری در متن ترجمه بیشتر باشد می‌تواند حاکی از دقت بیشتر مترجم در ترجمه تنوعات واژگی-نحوی نشاندار و وفاداری بیشتر به متن مبدأ باشد.

در پژوهش حاضر، تحلیل تطبیقی از نحوه کاربرد انواع مختلف استعاره‌های دستوری به لحاظ کمی و کیفی در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر» و دو ترجمه این رمان توسط دو مترجم برجسته در حوزه ترجمه ادبی یعنی ابراهیمی و رضایی از منظر دستور نظام‌مند نقشی هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) ارائه می‌شود تا به این سؤال کلی پاسخ داده شود که تا چه میزان مترجمان این اثر در ترجمه استعاره‌های دستوری به متن اصلی وفادار بوده‌اند؟

۲. روش تحقیق

چارچوب نظری این پژوهش، دستور نظام‌مند نقشی هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) می‌باشد. از نظر هلیدی (۱۹۹۵)، xviii) زبان به عنوان یک نظام معانی به همراه صورت‌هایی است که از طریق آن صورت‌ها، معانی تشخیص داده می‌شوند. از نظر او زبان نظامی برای ساختن معانی است که دستور و معنی‌شناسی در نزد او صرفاً به معانی واژگان محدود نمی‌شود بلکه یک نظام کامل از همه معانی موجود در یک زبان است و این معانی همان‌قدر به وسیله دستور زبان تعیین می‌شود که به وسیله واژگان. در حقیقت در این رویکرد معانی در قالب عبارت‌پردازی رمزگذاری می‌شوند. بند که واحد اولیه مطالعه در دستور نقش گراست، دارای سه بُعد جداگانه و درعین حال مرتبط است که فرانقش نامیده می‌شوند. نقش‌های اصلی زبان در ارتباط با محیط اجتماعی و روان‌شناختی پیرامون، بازنمایی درک پیرامون و تعامل با افراد می‌باشند. بازنمایی درک و تجربه ما از هستی به فرانقش تجربی اختصاص دارد. بازنمایی تعامل با مشارکین در یک ارتباط زبانی، ذیل فرانقش بینافردی بررسی می‌شود. همچنین برقراری و تثبیت روابط اجتماعی نیز به این فرانقش

مربوط می‌شود (هلیدی و متیس، ۲۰۰۴: ۲۹). ارتباط دو فرانش مذکور، و بازنمایی شیوه سازمان‌دهی خود زبان، بر عهده فرانش متی است. به عبارت دیگر، این فرانش بین آنچه که گفته یا نوشته می‌شود و جهان واقعی از یک سو و ساخت‌های دیگر زبانی از سوی دیگر ارتباط برقرار می‌کند (بلور و بلور^۱، ۱۹۹۵: ۷). رویکرد هلیدی بر این واقعیت تکیه دارد که می‌توان از بین ساختارهای متجانس و غیرمتجانس انتخاب نمود و در واقع، استعاره دستوری به عنوان تحقق غیرمتجانس از پیکربندی معنایی خاصی در دستور زبان واژگانی می‌باشد (هلیدی، ۱۹۸۵: ۳۲۱).

استعاره دستوری که توسط هلیدی (۱۹۸۵) پیشنهاد شد یکی از کمک‌های مهم زبان‌شناسی نظام‌مند نقشی به حوزه زبان‌شناسی و آموزش است. همان‌گونه که دوریم^۲ (۲۰۱۵) اذعان داشته است، نظریه استعاره در تکامل خود در قالب دو مدل نظریه‌پردازی شده است که عبارتند از مدل طبقه‌ای^۳ توسط هلیدی و مارتین (۱۹۹۳) و مدل معنایی^۴ توسط هلیدی و متیس (۱۹۹۹). مدل طبقه‌ای، استعاره را در رابطه با تنش طبقه‌ای بین معناشناسی گفتمان و دستور زبان واژگانی نظریه‌پردازی می‌کند (مارتین، ۱۹۹۳: ۱۱۲)؛ بنابراین می‌توان استعاره را به عنوان تنشی بین گرامر (نحوه واژه‌پردازی متن) و معناشناسی (معنای متن) معرفی کرد، به طوری که زبان خوانشی دوسطحی می‌یابد (یعنی استعاری)، که یک سطح مستقیماً دستور زبان را منعکس می‌کند و فراتر از این سطح، سطح دیگری به صورت سمبلیک مربوط به معناشناسی است. دو مقوله اصلی استعاره دستوری در مدل طبقه‌ای، استعاره‌های بینافردی و اندیشگانی هستند (هلیدی، ۱۹۸۵). استعاره بینافردی شامل استعاره‌های وجهی^۵ و وجهیت^۶ است. استعاره اندیشگانی به دو نوع استعاره تجربی و منطقی طبقه‌بندی می‌شود (مارتین، ۱۹۹۲). مدل معنایی، تحقق مقولات معنایی متجانس و استعاری در دستور زبان را بررسی می‌کند. هنگامی که یک رشته کلمات به عنوان یک بندجمله پیچیده، یا فرآیندی مانند یک فعل تحقق می‌یابد، متجانس است. هنگامی که رشته‌ای از کلمات به عنوان چیزی غیر از یک بندجمله پیچیده، یا فرآیندی به جز یک فعل تحقق می‌یابد، استعاره است. سایر واحدهای دستوری مکمل این موارد در این نقش‌ها می‌باشند (هلیدی، ۱۹۹۸: ۲۳۸)؛ بنابراین، با توجه به مدل معنایی، اگر رشته‌ای از کلمات با یک بندجمله تحقق یابد یا اگر یک اسم، فرآیندی را در دستور زبان تحقق بخشد، آن ساختار زبانی، نمونه‌ای از استعاره دستوری است. هرچند این دو مدل در نظریه‌پردازی و تعریف استعاره متفاوت هستند، اما ارتباط بسیار نزدیکی با

1. Boolr, T & M. Boolr
2. Devrim
3. Strata model
4. Semantic model
5. mood
6. modality

یکدیگر دارند. در واقع مدل معنایی شکل توسعه یافته همان مدل طبقه ای است. (ر.ک. هلیدی ۱۹۹۸). دوریم (۲۰۱۵) تحلیل جامع تری را با ارائه یک مدل یکپارچه که تلفیقی از دو مدل قبلی است ارائه می دهد. استعاره را می توان از این منظر، ساختار زبانی دانست که از تنش لایه ای بین معانی اندیشگانی (تجربی و منطقی) و بین فردی در معناشناسی گفتمان و دستور زبان واژگانی ناشی می شود. تعریف فوق فضایی را برای نظریه پردازی استعاره بین فردی باز می کند و بر تمایز بین استعاره های تجربی و منطقی تأکید می کند.

استعاره دستوری مکمل استعاره واژگانی است و بر اساس تفاوت بین ساختار است تا معانی کلمات یکسان (هلیدی، ۱۹۸۵). در واقع هلیدی مفهوم استعاره دستوری را در سطح واژی- نحوی گسترش می دهد. وی استعاره را فرآیند انتقالی می داند که در آن نوعی ابزار دستوری با نوع دیگر جایگزین شده ولی در طی این انتقالات معنای دستوری بدون تغییر باقی می ماند. عنصر استعاری، صورت اصلی اش را از دست نمی دهد بلکه مشخصه معنایی جدیدی را در نتیجه استعاری شدن به دست می آورد. هلیدی (۱۹۸۵)، در فصل دهم تحت عنوان «فراتر از بند» سه نوع استعاره دستوری یعنی اندیشگانی، بین فردی و متنی را توضیح داده است. در ادامه هریک از انواع استعاره معرفی و مواردی از داده های تحلیل شده پژوهش حاضر به عنوان مثال ارائه می شود و سپس در بخش تحلیل داده های پژوهش، تحلیل تطبیقی جداول آماری حاصل از این بررسی در متن رمان اصلی و ترجمه ها ارائه می شود.

۲/۱ استعاره دستوری اندیشگانی:

فراننش اندیشگانی برای بازسازی تجربه انسان و وسیله ای برای خلق دوباره واقعیت است. زبان ابزاری است برای بیان تجربه های انسان، که این نقش زبان، فراننش اندیشگانی نام دارد. از این نظر، فراننش اندیشگانی به دو مؤلفه تجربی و منطقی تقسیم می شود (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۷۸). استعاره دستوری اندیشگانی که برگرفته از این فراننش است شامل دو نوع اصلی است: استعاره گذرایی و اسم سازی. نمود اصلی استعاره اندیشگانی، اسم سازی است. فرآیند دستوری اسم سازی به نویسنده یا گوینده این امکان را می دهد که فاعل یا کنشگر را مخفی کند، یکی از کاربردهای اسم سازی، برای پرهیز از بیان موقعیت های ناخوشایند است (سیمون وندربرگن و همکاران، ۲۰۰۳)، مانند نمونه های زیر:

«شاید وقت مناسبی برای سرزنش کردن نبود» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۵۸۰).

در این بند عبارت «سرزنش کردن» صورت اسمی است از عبارت: «شاید وقت مناسبی نبود که او را سرزنش کنم».

«توداری‌اش از این است که از تظاهر کردن خوشش نمی‌آید» (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۶)

در این بند عبارت «تظاهر کردن» صورت اسمی است از عبارت: «خوشش نمی‌آید تظاهر کند ...».

امکان و قابلیت دستوری برای بازنمایی تجربه در زبان، نظام گذرایی نامیده می‌شود. منظور از گذرایی مفهومی نیست که در دستورهای سنتی به کار رفته است. در دستورهای سنتی، به فعل‌های مفعول‌پذیر، فعل گذرا گفته می‌شود. درحالی‌که در چارچوب دستور نقش‌گرا، گذرایی به شیوه بازنمایی انواع فرایندها و معانی در جمله اطلاق می‌شود (سیمپسون^۱، ۲۰۱۴: ۱۱). نظام گذرایی، مکانیسم بیان فراتنش اندیشگانی و تجربی در زبان است. در نظام گذرایی تنوع دستوری در بین صورت‌های متجانس یا نامتجانس به کار می‌رود (تاوورنیرز^۲، ۲۰۰۳: ۶). هلیدی فعالیت‌های انسان را در قالب شش نوع فرایند معرفی کرده است که سه فرایند مادی، ذهنی و رابطه‌ای^۳، فرایندهای اصلی و فرایندهای کلامی، رفتاری و وجودی فرایندهای فرعی به شمار می‌آیند (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴). نظام گذرایی بیانگر رخداد، رابطه، حالت، اندیشه، احساس، رفتار و وجود پدیده‌های جهان است که هر یک از این‌ها را فرایند می‌نامیم که می‌توانند با تبدیل به فرایندی دیگر در نظام گذرایی، استعاری شوند (هلیدی، ۱۹۹۴: ۱۰۶). مثلاً در «چشمان سیاهش را با بدگمانی به من دوخته است» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۲۲)، فرایند رفتاری «نگاه کردن» در قالب فرایند مادی «چشم دوختن» تحقق یافته است. و یا در «اخم کرد و دوید وسط حرفم» (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۳)، که فرایند کلامی «صحبت کردن» در قالب فرایند مادی «دویدن» تحقق یافته است.

۲/۲ استعاره دستوری بینافردی:

از آنجاکه بازنمایی بافت در حوزه معنا اتفاق می‌افتد، بازنمایی مشارکان سخن در حوزه معنا را فراتنش بینافردی می‌گویند. این فراتنش به هم‌کنشی و تعامل متن و برقراری روابط اجتماعی مربوط است. دو نقش عمده در این فراتنش عبارتند از «وجه» که دارای سه سازه نهاد، زمانداری و قطییت است و «مانده» که شامل سه سازه محمول، متمم و افزوده می‌باشد (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴).

نحوه برهم کنش این دو جزء جملات متفاوت خبری، پرسشی و امری را می‌سازد؛ بنابراین دو نوع استعاره بین‌فردی وجود دارد: استعاره دستوری وجهی و استعاره دستوری وجهیت. تظاهر وجهیت در قالب افعال وجهی صورت می‌گیرد ولی در حالت استعاری با یک بند کوچک بیان می‌شود. وجهیتی که با یک بند کوچک بیان شود

1. Simpson
2. Taverniers
3. Relational process

استعاره‌ای است. استعاره وجهی بینافردی مربوط به تغییرات حالت بند است. در واقع تنوع وجه، استعاره وجهی نام دارد که وجهی را به وجه دیگری تبدیل می‌کند. هر وجه می‌تواند دو یا چند نقش زبانی را بازتاب دهد. مثلاً در «شاید بعضی‌ها او را آدم مغرور و بی‌مایه‌ای بدانند ...» (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۲۰). «شاید»، بند کوچکی است که حاکی از عدم قطعیت گوینده می‌باشد و لذا استعاره بینافردی از نوع وجهیت است، و یا «ممکن است آقای هیتکلیف دلایل دیگری ...» (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۲۱) که در این بند عبارت «ممکن است» نشان از عدم قطعیت گوینده دارد. همچنین در «واقعاً می‌خواهید به هذیان‌هایش گوش کنید؟» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۳۰۱)، که تعجب در قالب پرسش است و لذا استعاره بینافردی از نوع وجهی، و نیز در «بهتر است کاری به کار سگ نداشته باشید» (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۷)، که امر در قالب پیشنهاد است.

۲/۳ استعاره دستوری متنی:

فرانقش متنی با ساخت متن سروکار دارد و نشان می‌دهد چگونه آنچه می‌گوییم با آنچه در قبل گفته‌ایم با بافت پیرامون مرتبط است. ما پیام‌های خود را به شیوه‌ای سازمان‌دهی می‌کنیم که با پیام‌های قبلی و بعدی خود و بافت وسیع‌تر مرتبط با آن‌ها، سازگاری داشته باشد. سازمان‌بندی پیام‌ها به شیوه کلام مربوط می‌شود. فرانقش متنی در ساختار اطلاعی و انسجام متن محقق می‌شود. بر اساس آنچه هلیدی (۱۹۸۵)، بیان داشته است، معانی بینافردی و اندیشگانی، در فرانقش متنی زبان تحقق می‌یابند. بر اساس هلیدی و متیسن (۱۹۹۹)، کاربرد استعاره دستوری، متن را پیچیده‌تر و سخت‌تر می‌سازد. علی‌رغم این پیچیدگی و سختی، کاربرد استعاره دستوری بسیار رایج است. سبک علمی، سبکی پر از نمونه‌های استعاره دستوری است و مطالعات بسیاری برای تجزیه و تحلیل این سبک انجام شده است (ر.ک. بنکس، ۲۰۰۵). برای بررسی استعاره دستوری متنی، به عوامل ساختاری بند و آرایش کلمات جمله از قبیل ساخت آغازگر- پایان‌بخش توجه شده است. مثلاً در بند «مطمئن بودم که آقای لیتون کتاب را آنجا گذاشته است» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۲۹۱)، که عبارت ارجاعی «آقای لیتون» ارجاع به ماقبل است و عبارت ارجاعی «آنجا»، اشاره به مکانی دارد که قبلاً ذکر شده است و یا در بند «تازه از دیدن صاحب‌خانه‌ام برگشته‌ام، همسایه گوشه‌گیری که با او مشکل خواهم داشت» (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۳)، عبارات «صاحب‌خانه»، «همسایه گوشه‌گیر» و ضمائر «-ام» و «او» عبارات و ضمائر ارجاعی هستند که باعث انسجام دستوری از نوع ارجاع شده‌اند.

۳. تحلیل تطبیقی داده‌ها

در این بخش، مواردی از تحلیل‌های کیفی به‌عنوان نمونه ارائه می‌شود و درنهایت جمع‌بندی کلی در قالب جداول مربوطه ارائه خواهد شد.

۱.۳. استعاره دستوری اندیشگانی

۱. در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، عبارت «after my arrival» (برونته، ۱۸۴۷: ۱) حاوی استعاره دستوری اندیشگانی از نوع اسم‌سازی است که به‌صورت فعلی آن یعنی «after I arrived» ترجیح داده شده است. همین عبارت در ترجمه رضایی به‌صورت «بعد از ورودم» (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۳) دیده می‌شود که در آن صورت اسمی «ورود» به‌صورت فعلی آن ترجیح داده شده: «بعد از این که وارد شدم». درحالی‌که در ترجمه ابراهیمی، این عبارت نادیده گرفته شده و مترجم ترجمه‌ای غیر استعاری از این بند انجام داده است. «در اولین فرصت به دیدنتان آمدم تا مطمئن شوم ...» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۲۳).

۲. در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، با عبارت «... when he meets ...» (برونته، ۱۸۴۷: ۵) روبه‌رو هستیم که فاقد استعاره دستوری اسم‌سازی است. درحالی‌که در ترجمه رضایی معادل این عبارت به‌صورت «موقع دیدار ...» (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۶) در نظر گرفته شده که دارای استعاره اسم‌سازی است و به‌صورت فعلی خود ترجیح داده شده؛ اما در ترجمه ابراهیمی این عبارت نادیده گرفته شده است «ممکن است آقای هیتکلیف دلایل دیگری برای گوشه‌گیری و دوری از دیگران داشته باشد» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۲۷).

۳. در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، بند 'Mrs. Linton's glance followed him' (برونته، ۱۸۴۷: ۱۹۷) به‌کار رفته است. این بند حاوی استعاره گذرایی از نوع تبدیل فرایند ذهنی «to watch» در قالب فرایند رفتاری «to follow» می‌باشد، که این عبارت در ترجمه رضایی به‌صورت «با نگاه شکاکش او را دنبال می‌کرد» (رضایی، ۱۳۹۰: ۲۰۹)، به‌صورت استعاره گذرایی ترجمه شده است، اما در ترجمه ابراهیمی «با بدگمانی او را نگاه کرد» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۲۹۷) از استعاره استفاده نشده است.

۴. در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، بند 'I framed an excuse' (برونته، ۱۸۴۷: ۴۰۲) آمده است. در این بند شاهد استعاره گذرایی و تبدیل فرایند کلامی «to make an excuse» به فرایند مادی «to frame» هستیم. رضایی این استعاره را در ترجمه خود وارد کرده «بهانه‌ای تراشیدم» (رضایی، ۱۳۹۰: ۴۲۰)، اما در ترجمه ابراهیمی عبارت به‌صورت «به‌بهانه‌ای آن دو جوان را تنها گذاشتم» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۵۸۰) آمده که فاقد استعاره گذرایی است.

۲.۳. استعاره دستوری بین فردی

۵. در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، بند 'that I thought the very intensity of his gaze would bring tears into his eyes' (برونته، ۱۸۴۷: ۱۹۵) آمده است. در اینجا بند کوچک «I thought» بیانگر عدم اطمینان گوینده است و حاوی استعاره بینافردی از نوع وجهیت است. ترجمه این عبارت در ابراهیمی به صورت «فکر کردم هر آن اشکش سرازیر می‌شود» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۲۹۴) و در ترجمه رضایی به صورت «فکر کردم همین تیر نگاهش باعث می‌شود» (رضایی، ۱۳۹۰: ۲۰۷) بوده است. در هر دو، بند کوچک «فکر کنم» بیانگر عدم اطمینان گوینده و حاوی استعاره بینافردی می‌باشد.

۶. در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، بند 'I shall stay in the garden' (برونته، ۱۸۴۷: ۲۰۱) به کار رفته است. در این بند وجه هشدار در قالب وجه خبری آمده است. رضایی آن را به صورت «اما می‌مانم توی باغ» (رضایی، ۱۳۹۰: ۲۱۳) و ابراهیمی آن را به صورت «اما توی باغ می‌مانم» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۳۰۳)، ترجمه کرده‌اند که هر دو تبدیل وجه هشدار به خبری است. لذا استعاره دستوری بینافردی از نوع وجهی نیز در ترجمه‌ها لحاظ شده است.

۳.۳. استعاره دستوری متنی

۷. در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، بند 'I wring my hands, and cried out; and Mr. Linton hastened his step' (برونته، ۱۸۴۷: ۲۰۰) آمده است. در این بند با ضمائر «I»، «his» و عبارت «Mr. Linton» مواجهیم که ارجاع به ماقبل هستند و قبلاً در متن به آن‌ها اشاره شده است. حرف ربط «and» موجب انسجام و پیوند متنی شده است. این بند در دو ترجمه به صورت زیر آمده است:

«دست‌هایم را به هم ساییدم و داد زدم. آقای لیتون با شنیدن این سروصدا قدم‌هایش را تندتر کرد» (رضایی، ۱۳۹۰: ۲۱۲).

در این ترجمه، برخی استعاره‌های به کار رفته در متن اصلی دیده نمی‌شوند. حرف ربط «و» در اول جمله و عبارت «آقای لیتون» و ضمیر «ش» در «قدم‌هایش» ارجاع به ماقبل هستند.

«بعد دست‌هایم را به هم فشردم و وحشت‌زده فریاد کشیدم. آقای لیتون با شنیدن صدای من قدم‌هایش را تندتر کرد» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۳۰۲).

در ترجمه ابراهیمی نیز برخی استعاره‌های به کار رفته در متن اصلی دیده نمی‌شوند. در این بند نخست واژه «بعد»، سپس حرف ربط «و» باعث انسجام متنی و پیوند شده‌اند. عبارت «آقای لیتون» و ضمیر «من» و «ش» در

«قدم‌هایش» عبارات و ضمایر ارجاعی هستند که قبلاً در متن به آن‌ها اشاره شده است.

۸. در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، «And, Nelly, once for all, let me beg you to warn Hareton

and the other away from me» (بروئته، ۱۸۴۷: ۴۰۴) آمده است. در این بند ابتدا با حرف ربط «and» برای

پیوند این بند با بند قبلی مواجه هستیم. سپس عبارات و ضمایر ارجاعی «(Nelly)»، «(me)»، «(you)»، «(Hareton)»،

«(The other)»، و «(me)» به کار رفته‌اند که تمامی آن‌ها ارجاع به ماقبل می‌باشند.

ترجمه رضایی به صورت «در ضمن، نلی، برای آخرین بار از تو خواهش می‌کنم به هیرتن و آن دختر بگویی از من

دوری کنند» (رضایی، ۱۳۹۰: ۴۲۲) است. در این بند برخی استعاره‌های دستوری به کار رفته در متن اصلی دیده

نمی‌شوند. عبارات و ضمایر ارجاعی «نلی»، «تو»، «هیرتن»، «آن دختر» و «من» در ترجمه آمده‌اند که همگی ارجاع

به ماقبل هستند. معادل فوق در ترجمه ابراهیمی به صورت «نلی، برای آخرین بار از تو می‌خواهم که هیرتن و کاترین

را از جلوی چشم دور کنی» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۵۸۲) است. در این ترجمه ضمایر و عبارات «نلی»، «تو»،

«هیرتن»، «کاترین» و «م» در «چشم» عبارات ارجاعی هستند. حرف ربط «و» اول جمله در هر دو ترجمه حذف

شده‌اند. «(The other)» در متن اصلی، «آن دختر» در ترجمه رضایی و «کاترین» در ترجمه ابراهیمی ارجاع هستند.

در ترجمه ابراهیمی عبارت «کاترین» به مانند رضایی و متن اصلی از جایگزینی استفاده نشده است.

۴. تحلیل آماری داده‌های پژوهش

در جداول این بخش، ستون اول نشان دهنده نوع استعاره دستوری است، ستون دوم، تعداد یا بسامد استعاره‌های

دستوری از آن نوع را نشان می‌دهد، که در کل متن‌های موردپژوهش، با در نظر گرفتن موارد تکراری شمارش شده‌اند.

ستون سوم، به درصد وقوع این سه نوع استعاره دستوری در هر یک از آثار مورد مطالعه اختصاص دارد و سطر چهارم

این ستون، مجموع هر سه نوع استعاره دستوری به کار رفته در آن اثر را نشان می‌دهد.

۱/۴ تعداد و درصد وقوع انواع استعاره دستوری، در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»:

جدول ۱. تعداد و درصد وقوع انواع استعاره دستوری در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»

نوع استعاره	تعداد	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	درصد، نسبت به دیگر انواع استعاره دستوری
اندیشگانی	۲۳۸	۲/۲۴	۹/۸۸

۳/۷۷	۰/۸۶	۹۱	بینافردی
۸۶/۳۳	۱۹/۶۱	۲۰۷۹	متنی
۱۰۰	۲۲/۷۱	۲۴۰۸	مجموع

جدول ۱، نشان می‌دهد که در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، در مجموع تعداد ۲۴۰۸ استعاره دستوری وجود دارد، که از این تعداد، ۲۳۸ مورد استعاره اندیشگانی، ۹۱ مورد استعاره بینافردی، و ۲۰۷۹ مورد استعاره متنی است. براساس داده‌های ستون دوم این جدول، استعاره متنی با بالاترین میزان کاربرد در این رمان، ۱۹/۶۱ درصد از بخش‌های مورد مطالعه رمان را، با در نظر گرفتن تعداد بندهای تشکیل‌دهنده سه فصل منتخب به‌عنوان مبنا، به خود اختصاص داده است، پس‌از آن استعاره اندیشگانی است با ۲/۲۴ درصد و درنهایت استعاره بینافردی با ۰/۸۶ درصد که کمترین میزان کاربرد را از کل رمان به خود اختصاص داده است. در مجموع ۲۲/۷۱ درصد از بخش‌های مورد تحقیق را استعاره‌های دستوری تشکیل داده‌اند.

جدول ۲. تعداد و درصد وقوع انواع استعاره اندیشگانی در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»

نوع استعاره اندیشگانی	تعداد	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	درصد، نسبت به کل استعاره‌های اندیشگانی متن اصلی رمان
اسم‌سازی	۱۷۱	۱/۶	۷۱/۸۴
گذرایی	۶۷	۰/۶۳	۲۸/۱۵
مجموع	۲۳۸	۲/۲۴	۱۰۰

جدول ۲ نشان می‌دهد که در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، تعداد ۲۳۸ مورد استعاره اندیشگانی وجود دارد که از این تعداد، ۱۷۱ مورد اسم‌سازی، و ۶۷ مورد دیگر گذرایی است. لذا در مورد استعاره اندیشگانی، اسم‌سازی بیشترین میزان کاربرد را داشته است.

جدول ۳. تعداد و درصد وقوع انواع استعاره بینافردی در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»

نوع استعاره بینافردی	تعداد	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	درصد، نسبت به کل استعاره بینافردی متن اصلی رمان
استعاره وجهیت	۱۳	۰/۱۲	۱۴/۲۸
استعاره وجهی	۷۸	۰/۷۳	۸۵/۷۱
مجموع	۹۱	۰/۸۵	۱۰۰

جدول ۳ بیانگر این مطلب است، که در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، تعداد ۹۱ مورد استعاره دستوری بینافردی به کار رفته است، که از این تعداد، ۱۳ مورد استعاره وجهیت و ۷۸ مورد استعاره وجهی است. لذا استعاره وجهی با ۸۵/۷۱ درصد میزان کاربرد، بیشترین بسامد را در کل متن به خود اختصاص داده است، و نسبت کاربرد استعاره وجهیت نیز به کل استعاره‌های بینافردی ۱۴/۲۸ درصد می‌باشد. تقریباً تمامی انواع استعاره‌های متنی از نوع انسجام دستوری، یعنی ارجاع، جایگزینی و حذف و نیز انسجام واژگانی یعنی تکرار، مترادف‌ها، واژه‌های فراگیر و واژه‌های عمومی، نیز وجود دارد که از میان آن‌ها بیشترین موارد مربوط به حرف ربط «و» و ارجاع می‌باشد. حذف و جایگزینی نیز بعد از این دو مورد بیشترین میزان را به خود اختصاص می‌دهند.

۴/۲ تعداد و درصد وقوع انواع استعاره دستوری، در ترجمه ابراهیمی:

جدول ۴. تعداد و درصد وقوع انواع استعاره دستوری در ترجمه ابراهیمی

نوع استعاره	تعداد	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	درصد، نسبت به دیگر انواع استعاره دستوری
اندیشگانی	۲۵۱	۱/۷	۱۰/۹
بینافردی	۱۱۲	۰/۷۵	۴/۸۶
متنی	۱۹۴۷	۱۳	۸۴/۶۱
مجموع	۲۳۰۱	۱۵/۵	۱۰۰

جدول ۴ نشان می‌دهد که در ترجمه ابراهیمی تعداد ۲۳۰۱ مورد استعاره دستوری به کار رفته است که از این تعداد،

۲۵۱ مورد استعاره اندیشگانی، ۱۱۲ مورد استعاره بینافردی و ۱۹۴۷ مورد استعاره متنی است. نسبت کاربرد استعاره متنی به دو نوع دیگر در کل این ترجمه ۸۴/۶۱ درصد می باشد، که این میزان بیشترین درصد کل استعاره های دستوری به کار رفته در این ترجمه را شامل می شود، و نسبت استعاره اندیشگانی به دو نوع دیگر ۱۰/۹ درصد و بینافردی ۴/۸۶ درصد می باشد.

جدول ۵. تعداد و درصد وقوع انواع استعاره اندیشگانی در ترجمه ابراهیمی

نوع استعاره اندیشگانی	تعداد	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	درصد، نسبت به کل استعاره های اندیشگانی ترجمه ابراهیمی
اسم سازی	۱۹۷	۱/۳	۷۸/۴۸
گذرایی	۵۴	۰/۴	۲۱/۵۲
مجموع	۲۵۱	۱/۷	۱۰۰

جدول ۵ نشان می دهد که در ترجمه ابراهیمی تعداد ۲۵۱ مورد استعاره اندیشگانی یافت شده است، که از این تعداد، ۱۹۷ مورد اسم سازی، و ۵۴ مورد نیز گذرایی است. همان طور که ستون ۴ نشان می دهد، استعاره اسمی سازی بیشترین میزان کاربرد استعاره اندیشگانی را در این ترجمه داشته است.

جدول ۶. تعداد و درصد وقوع انواع استعاره بینافردی در ترجمه ابراهیمی

نوع استعاره بینافردی	تعداد	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	درصد، نسبت به کل استعاره بینافردی در ترجمه ابراهیمی
استعاره وجهیت	۳۴	۰/۲۳	۳۰/۳۶
استعاره وجهی	۷۸	۰/۵۳	۶۹/۶۴
مجموع	۱۱۲	۰/۷۶	۱۰۰

جدول ۶ حاکی از آن است که در ترجمه ابراهیمی تعداد ۱۱۲ مورد استعاره بینافردی یافت شده است که از این تعداد، ۳۴ مورد استعاره وجهیت و ۷۸ مورد دیگر نیز استعاره وجهی است. استعاره وجهی با ۶۹/۶۴ درصد بیشترین بسامد

را در کل متن داشته است و استعاره و جهت نیز ۳۶/۳۰ درصد کل استعاره‌های بینافردی موجود در این ترجمه را دارا بوده است. استعاره متنی نیز که بیشترین میزان کاربرد را در ترجمه ابراهیمی دارا بوده است، شامل کاربرد فراوان حرف ربط و ارجاع می‌باشد. داده‌های این پژوهش حاکی از آن است که در این متن، تقریباً تمامی انواع استعاره‌های متنی از نوع انسجام دستوری، یعنی ارجاع، جایگزینی و حذف و نیز انسجام واژگانی یعنی تکرار، مترادف، واژه‌های فراگیر و واژه‌های عمومی، نیز وجود دارد که از میان آن‌ها بیشترین موارد، مربوط به حرف ربط «و» و ارجاع می‌باشد. حذف و جایگزینی نیز بعد از این دو مورد بیشترین میزان را به خود اختصاص می‌دهند.

۳/۴ تعداد و درصد وقوع انواع استعاره دستوری، در ترجمه رضایی:

جدول ۷. تعداد و درصد وقوع انواع استعاره دستوری در ترجمه رضایی

نوع استعاره	تعداد	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	درصد، نسبت به دیگر انواع استعاره دستوری
اندیشگانی	۲۹۴	۱/۵۶	۱۲/۵۷
بینافردی	۱۰۷	۰/۵۶	۴/۵۸
متنی	۱۹۳۷	۱۰/۳	۸۲/۸۶
مجموع	۲۳۳۸	۱۲/۴۴	۱۰۰

یافته‌های جدول ۷ نشان می‌دهد در ترجمه رضایی تعداد ۲۳۳۸ مورد استعاره دستوری وجود دارد، که از این تعداد، ۲۹۴ مورد استعاره اندیشگانی، ۱۰۷ مورد استعاره بینافردی و ۱۹۳۷ مورد استعاره متنی است. استعاره متنی با ۱۰/۳ درصد رخداد، بالاترین میزان کاربرد را در کل متن مورد مطالعه به خود اختصاص داده است و پس از آن استعاره اندیشگانی است، با ۱/۵۶ درصد، و در نهایت استعاره بینافردی با ۰/۵۶ درصد، که کمترین میزان کاربرد را دارا می‌باشد. نسبت کاربرد استعاره متنی به دو نوع استعاره دیگر، در کل متن ۸۲/۸۶ درصد می‌باشد که این میزان نشان می‌دهد که تعداد قابل توجهی از کل استعاره‌های دستوری به کار رفته در متن را استعاره متنی تشکیل می‌دهد. نسبت استعاره اندیشگانی به دو نوع دیگر ۱۲/۵۷ درصد و بینافردی به دو نوع دیگری ۴/۵۸ درصد می‌باشد و این بیانگر این است که کمترین تعداد استعاره‌های دستوری در این متن، متعلق به استعاره بینافردی است. در مورد استعاره اندیشگانی در ترجمه رضایی، داده‌های جدول ۸ به بررسی و تحلیل تعداد و درصد انواع آن، یعنی اسم‌سازی و گذرایی

می‌پردازد.

جدول ۸. تعداد و درصد وقوع انواع استعاره اندیشگانی در ترجمه رضایی

نوع استعاره اندیشگانی	تعداد	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	درصد، نسبت به کل استعاره‌های اندیشگانی ترجمه رضایی
اسم‌سازی	۲۱۵	۱/۱۴	۷۳
گذرایی	۷۹	۰/۴۲	۲۷
مجموع	۲۹۴	۱/۵۶	۱۰۰

جدول ۸ حاکی از آن است که، در ترجمه رضایی تعداد ۲۹۴ مورد استعاره اندیشگانی یافت شده، که از این تعداد ۲۱۵ مورد، اسم‌سازی و ۷۹ مورد، گذرایی است. استعاره اسم‌سازی با ۷۳ درصد، بیشترین میزان کاربرد استعاره اندیشگانی را دارد؛ لذا در ترجمه رضایی، اسم‌سازی بیشترین بسامد را در میان استعاره‌های اندیشگانی داشته است.

جدول ۹. تعداد و درصد وقوع انواع استعاره بینافردی در ترجمه رضایی

نوع استعاره بینافردی	تعداد	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	درصد، نسبت به کل استعاره بینافردی در ترجمه رضایی
استعاره وجهیت	۲۶	۰/۱۴	۲۴/۳
استعاره وجهی	۸۱	۰/۴۳	۷۵/۷
مجموع	۱۰۷	۰/۵۷	۱۰۰

جدول ۹ حاکی از آن است، که در ترجمه رضایی، تعداد ۱۰۷ مورد استعاره بینافردی به‌کار رفته است، که از این تعداد، ۲۶ مورد استعاره وجهیت و ۸۱ مورد استعاره وجهی بوده است. لذا در ترجمه رضایی، استعاره وجهی با ۷۵/۷ درصد، بسامد بیشتری را نسبت به استعاره وجهیت با ۲۴/۳ درصد دارا است. استعاره متنی نیز که بیشترین میزان کاربرد را در ترجمه رضایی دارا بوده است، شامل کاربرد فراوان حرف ربط و ارجاع می‌باشد، تقریباً تمامی انواع استعاره‌های متنی از نوع انسجام دستوری، یعنی ارجاع، جایگزینی و حذف و نیز انسجام واژگانی یعنی تکرار، مترادف، واژه‌های فراگیر و واژه‌های عمومی، نیز دیده می‌شوند، که از میان آن‌ها بیشترین موارد مربوط به حرف ربط «و» و ارجاع

می‌باشد. حذف و جایگزینی نیز بعد از این دو مورد بیشترین میزان را به خود اختصاص می‌دهند. در ادامه، به مقایسه کارکرد انواع استعاره دستوری، وزیر مقوله‌های آن‌ها، در سه متن مورد مطالعه این پژوهش می‌پردازیم.

جدول ۱۰. مقایسه درصد کارکرد انواع استعاره دستوری
در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر» با ترجمه ابراهیمی

نوع استعاره دستوری	متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»	ترجمه ابراهیمی
اندیشگانی	۲/۲۴	۱/۷
بینافردی	۰/۸۶	۰/۷۵
متنی	۱۹/۶۱	۱۳
مجموع	۲۲/۷۱	۱۵/۵

جدول ۱۱. مقایسه درصد کارکرد انواع استعاره دستوری
در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر» با ترجمه رضایی

نوع استعاره دستوری	متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»	ترجمه رضایی
اندیشگانی	۲/۲۴	۱/۵۶
بینافردی	۰/۸۶	۰/۵۶
متنی	۱۹/۶۱	۱۰/۳
مجموع	۲۲/۷۱	۱۲/۴۴

جدول ۱۲. مقایسه درصد کارکرد انواع استعاره دستوری در ترجمه ابراهیمی با ترجمه رضایی

نوع استعاره دستوری	ترجمه ابراهیمی	ترجمه رضایی
اندیشگانی	۱/۷	۱/۵۶
بینافردی	۰/۷۵	۰/۵۶
متنی	۱۳	۱۰/۳

نوع استعاره دستوری	ترجمه ابراهیمی	ترجمه رضایی
مجموع	۱۵/۵	۱۲/۴۴

جدول ۱۳. مقایسه درصد کارکرد انواع استعاره اندیشگانی،

در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر» با ترجمه ابراهیمی

نوع استعاره اندیشگانی	متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»	ترجمه ابراهیمی
اسم‌سازی	۱/۶	۱/۳
گذرایی	۰/۶۳	۰/۴
مجموع	۲/۲۴	۱/۷

جدول ۱۴. مقایسه درصد کارکرد انواع استعاره اندیشگانی،

در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر» با ترجمه رضایی

نوع استعاره اندیشگانی	متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»	ترجمه رضایی
اسم‌سازی	۱/۶	۱/۱۴
گذرایی	۰/۶۳	۰/۴۲
مجموع	۲/۲۴	۱/۵۶

جدول ۱۵. مقایسه درصد کارکرد انواع استعاره اندیشگانی

در ترجمه ابراهیمی با ترجمه رضایی

نوع استعاره اندیشگانی	ترجمه ابراهیمی	ترجمه رضایی
اسم‌سازی	۱/۳	۱/۱۴
گذرایی	۰/۴	۰/۴۲

نوع استعاره اندیشگانی	ترجمه ابراهیمی	ترجمه رضایی
مجموع	۱/۷	۱/۵۶

جدول ۱۶. مقایسه درصد کارکرد انواع استعاره بینافردی،
در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر» با ترجمه ابراهیمی

نوع استعاره بینافردی	متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»	ترجمه ابراهیمی
استعاره وجهیت	۰/۱۲	۰/۲۳
استعاره وجهی	۰/۷۳	۰/۵۳
مجموع	۰/۸۵	۰/۷۶

جدول ۱۷. مقایسه درصد کارکرد انواع استعاره بینافردی،
در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر» با ترجمه رضایی

نوع استعاره بینافردی	متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»	ترجمه رضایی
استعاره وجهیت	۰/۱۲	۰/۱۴
استعاره وجهی	۰/۷۳	۰/۴۳
مجموع	۰/۸۵	۰/۵۷

جدول ۱۸. مقایسه درصد کارکرد انواع استعاره بینافردی
در ترجمه ابراهیمی با ترجمه رضایی

نوع استعاره بینافردی	ترجمه ابراهیمی	ترجمه رضایی
استعاره وجهیت	۰/۲۳	۰/۱۴
استعاره وجهی	۰/۵۳	۰/۴۳

نوع استعاره بینافردی	ترجمه ابراهیمی	ترجمه رضایی
مجموع	۰/۷۶	۰/۵۷

۵. نتیجه‌گیری

از آنجا که انتقال نقش‌ها در استعاره‌های دستوری علاوه بر بیان اثرات خاص یا تأکیدی موضوعی، متضمن بازسامان‌دهی متنی نیز می‌باشد، می‌توان از استعاره دستوری به عنوان ساختی گفتمان‌مدار استفاده کرد. آنچه ابتدا گوینده یا نویسنده بیان می‌کند بر تحلیل هر آنچه که بعد می‌آید مؤثر خواهد بود. لذا استعاره دستوری منبعی قوی در ساختار پیام بوده و تأثیرات آن می‌تواند در ساماندهی متنی درک شود (تاوورنیز، ۲۰۰۳). لذا با توجه به مفهوم معادل‌یابی نقشی و کاربردی از نظر معنای اندیشگانی، بینافردی و متنی مورد نیاز متن مقصد نسبت به متن از منظر دستور نظام‌مند نقشی، لازم است مترجمان به نظام‌گذاری، نظام حالت بخشی، نظام وجهیت و نظام وجهی توجه کنند که معنای اندیشگانی، بینافردی و متنی را تجسم می‌بخشند. از آنجایی که یک معنا را می‌توان در ساختارهای دستوری مختلف بیان کرد، مترجمان با اشکال دستوری گوناگونی مواجه می‌شوند که شامل صورت‌های متجانس و غیرمتجانس (استعاری) هستند و آن‌ها باید ساختار دقیق و مناسبی را انتخاب کنند. در تحلیل کیفی داده‌های پژوهش حاضر مشخص شد که مترجمان در بسیاری موارد، ساختار استعاری را به صورت غیر استعاری ترجمه کرده‌اند. تحلیل کمی یافته‌های پژوهش نیز نشان می‌دهد که در ترجمه‌های ابراهیمی و رضایی، استعاره دستوری کمتری نسبت به متن اصلی رمان، به کار رفته است. این امر برخلاف نتایج بدست آمده توسط رضویان و طاهری (۱۳۹۸) است که میزان استفاده از انواع استعاره دستوری در متن اصلی رمان «سالار مگس‌ها» نسبت به دو ترجمه آن کمتر بوده است. لذا متفاوت بودن نوع رده‌شناختی زبان فارسی و انگلیسی از نظر ضمیراندازی^۱ یا غیرضمیراندازی بودن در نحوه کاربرد استعاره دستوری تعیین‌کننده به نظر نمی‌رسد و سبک شخصی مترجم نقش مهم‌تری دارد. همان‌گونه که از داده‌های جدول ۱ مشخص است، تعداد کل استعاره‌های دستوری به کار گرفته شده در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر» ۲۴۰۸ رخداد شمارش شده است، که این میزان ۲۲/۷۱ درصد از متن موردبررسی را، با توجه به تعداد بندهای سه فصل منتخب، شامل می‌شود. این در حالی است که با توجه به داده‌های جدول ۴، این تعداد در ترجمه ابراهیمی ۲۳۰۱ رخداد شمارش شده، که ۱۵/۵ درصد از متن را شامل شده است. در متن اصلی رمان، بسامد رخداد استعاره

دستوری نسبت به ترجمه ابراهیمی، ۵۴/۰ درصد، بیشتر است. در ترجمه رضایی نیز با توجه به نتایج به‌دست آمده از جدول ۷، درصد کاربرد استعاره‌های دستوری در متن اصلی رمان بیشتر است، و درصد رخداد استعاره دستوری در متن اصلی، ۶۸/۰ درصد بیشتر از ترجمه رضایی می‌باشد. همچنین این آمار نشان می‌دهد که در ترجمه ابراهیمی، استعاره‌های دستوری بیشتر نسبت به ترجمه رضایی به‌کار رفته است.

چون استعارات دستوری تحقق‌وازی- نحوی نشان‌داری از یک عبارات معنادار خاص هستند و انتقال نقش‌ها در این استعاره‌ها می‌تواند حاصل اثرات خاصی یا تأکیدی موضوعی باشد، لذا پیشنهاد می‌شود که مترجمان در ترجمه این تنوعات واژی- نحوی دقت نظر بیشتری داشته باشند تا علاوه بر وفاداری ساختی بیشتر به متن مبدأ، در انتقال مفاهیم مرتبط با این ساخت‌های نشان‌دار موفق‌تر باشند و ترجمه آن‌ها مستقل از میل و سبک شخصی آن‌ها باشد.

منابع

- ابراهیمی، ف. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی ترجمه‌های رمان بلندی‌های بادگیر اثر امیلی برونته، براساس نظریه تعادل ترجمه‌ای کت فورد (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه بیرجند.
- افتخاری، ر. (۱۳۸۷). استعاره در زبان فارسی از منظر هلیدی (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبائی.
- امینی، ج. (۱۳۸۹). بررسی رویه‌های بکار رفته توسط مترجمان فارسی بلندی‌های بادگیر در ترجمه لغات فرهنگی (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار.
- برونته، ا. ج. (۱۳۳۵). عشق هرگز نمی‌میرد. ترجمه علی اصغر بهرام بیگی. علمی-فرهنگی.
- برونته، ا. ج. (۱۳۸۴). بلندی‌های بادگیر. ترجمه نگار غلامپور. روزگار.
- برونته، ا. ج. (۱۳۸۸). بلندی‌های بادگیر (عشق هرگز نمی‌میرد). ترجمه فاطمه امینی. زرین.
- برونته، ا. ج. (۱۳۹۰). بلندی‌های بادگیر. ترجمه رضا رضایی. نی.
- برونته، ا. ج. (۱۳۹۱). بلندی‌های بادگیر. ترجمه نوشین ابراهیمی. افق.
- برونته، ا. ج. (۱۳۹۵). بلندی‌های بادگیر. ترجمه مهدی سجودی مقدم. مهراندیش.
- برونته، ا. ج. (۱۳۹۸). بلندی‌های بادگیر (عشق هرگز نمی‌میرد). ترجمه پرویز پژواک. نگاه.
- برونته، ا. ج. (۱۳۹۹). بلندی‌های بادگیر (تا انتهای پرینج عشق). ترجمه فروزنده دولت یاری. آتیس.
- برونته، ا. ج. (۱۳۹۹). بلندی‌های بادگیر. ترجمه نعیمه ظاهری. سایه‌گستر.
- برونته، ا. ج. (۱۴۰۱). بلندی‌های بادگیر. ترجمه سعیدا زندیان. قدیانی.
- بهادیوند چگینی، م.، کریمی فیروزجایی، ع.، شعیری، ح.، و ارجمندی، م. (۱۴۰۰). تحلیل فرایند تولید معنا در «بلندی‌های بادگیر» رویکرد نشانه - معناشناختی گفتمانی. نشریه بلاغت کاربردی و نقد ادبی، ۵(۳۵)، ۳۵-۴۸.
- بیکیان، ع.، روشن دل، ه.، و صفایی قلاتی، م. (۱۴۰۲). رویه‌ها و روش‌های ترجمه انگلیسی به فارسی استعاره‌های مفهومی: بررسی موردی ترجمه فارسی جلد اول رمان علمی - تخیلی دث استاکر. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۳(۲)، ۳۳۵-۳۴۹. <http://doi.org/10.22059/JFLR.2023.352312.1001>
- پوریا اصل، م. (۱۳۹۰). خوانشی از بلندی‌های بادگیر امیلی برونته بر اساس روانکاوی فروید (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت معلم تبریز.
- تقی پوری حاجی، س.، پاشایی فخری، ک.، و عادل‌زاده، پ. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی استعاره مفهومی غم و شادی با استناد بر شواهدی از آثار افغانی و ایشی گورو. پژوهش ادبیات معاصر، ۲۷(۱)، ۵۱-۷۹.

<http://doi.org/10.22059/JOR.2020.290281.1903>

جعفر بگلو، ا. (۱۳۹۴). تعلیق در ترجمه: بررسی ترجمه‌رمان «بلندی‌های بادگیر» امیلی برونته از انگلیسی به فارسی (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). مؤسسه آموزش عالی البرز.

چاووشی، م. (۱۳۹۰). کارکرد استعاره‌دستوری در زبان علم (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبائی. رضایپور، ا.، و عربانی دانا، ع. (۱۳۹۵). استعاره‌دستوری به مثابه تنوع نحوی از منظر دستور نقش‌گرای نظام‌مند. پژوهش‌های

زبان‌شناسی، ۸ (۲)، ۸۳-۱۰۲. <http://doi.org/10.22108/JRL.2017.21691>

رضویان، ح؛ و طاهری، م. (۱۳۹۸). استعاره‌دستوری در ترجمه: بررسی ترجمه حمید رفیعی، و مؤگان منصوری از رمان سالار مگس‌ها. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۹ (۱)، ۷۱-۷۹.

<http://doi.org/10.22059/jflr.2018.243682.411>

رضویان، ح.، و مبارکی، س. (۱۳۹۲). استعاره‌دستوری: شاخصی نو در تمایز زبان ادب و علم. پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۱۱ (۴)، ۱-۲۴.

سلیمی، ف. (۱۳۹۰). مفاهیم زیباشناسی «عالی» و «زیبا» در رمان بلندی‌های بادگیر اثر امیلی برونته: مطالعه بورک (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان.

شاملو، ط. (۱۳۹۲). تحلیل گفتمان انتقادی دو ترجمه فارسی از رمان بلندی‌های بادگیر امیلی برونته توسط فاطمه امینی و رضا رضایی بر اساس مدل فرکلاف (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه اراک.

عسکر مطلق، ا.، و جمشیدیان، س. (۱۴۰۲). تحلیل شناختی استعاره‌های مفهومی در متن زن‌محور رمان قطار زیرزمینی اثر کلسون وایتهد. پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۲۸ (۲)، ۵۳۹-۵۶۲.

<https://doi.org/10.22059/jor.2023.334441.2234>

علی پور، س.، شریفی، ش.، و ایزانلو، ع. (۱۳۹۵). معرفی ام. آی. پی.: روشی برای شناسایی استعاره در گفتمان. زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ۱۴ (۱)، ۱۱۱-۱۳۸. <https://doi.org/10.22067/lj.v8i14.49865>

لطفی پورساعدی، ک. (۱۳۷۱). در آمدی به اصول و روش ترجمه. مرکز نشر دانشگاهی.

نایدا، ی. (۱۳۹۰). نقش مترجم؛ برگزیده مقاله‌های نشر دانش (۳) در باره ترجمه. ترجمه سعید باستانی. مرکز نشر دانشگاهی.

یعقوبی، ر.، و آفاگل زاده، ف. (۱۴۰۱). استعاره‌های دستوری وجه در بخش شنیداری کتاب‌های آموزش زبان تافل در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند. زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ۱۴ (۳)، ۱-۲۶.

<https://doi.org/10.22067/jlkd.2022.77897.1113>

Banks, D. (2005). On the historical origin of nominalized process in scientific text. *English for Specific Purposes*, 24, 347-357. <https://doi.org/10.1016/j.esp.2004.08.002>

Bloor, T., & Bloor, M. (1995). *Functional analysis of English: A Hallidayan approach*. Arnold.

Brontë, E. (1847). *Wuthering heights*. Thomas Cautley Newby.

- Devrim, D. Y. (2015). Grammatical metaphor: What do we mean? What exactly are we researching? *Functional Linguistics*, 2(3), 1-15. <https://doi.org/10.1186/s40554-015-0016-7>
- Downing, A. (1989). Translating grammatical metaphor. In J. C. Santoyo (Ed.), *Translate across cultures*. Universidad de leon.
- Gibbs, R. W. J. (Ed.). (2008). *The Cambridge handbook of metaphor and thought*. Cambridge University Press.
- Gibbs, R. W. J., & Colston, H. (2012). *Interpreting figurative language*. Cambridge University Press.
- Halliday, M. A. K. (1985). An introduction to functional grammar. Arnold.
- Halliday, M. A. K. (1994). *An introduction to functional grammar*. Edward Arnold.
- Halliday, M.A.K. (1995). On language in relation to the evolution of human consciousness. In S. Allén (ed.), *Of thoughts and words: Proceedings of Nobel Symposium. The relation between language and mind* (pp. 45-84). Stockholm. Singapore.
- Halliday, M. A. K. (1998). Things and relations: Re-grammaticising experience as technical knowledge. In J. R. Martin & R. Veelceds (Eds.), *Reading science critical and functional perspectives on discourses of science* (pp. 185-235). Routledge.
- Halliday, M. A. K. & Martin, J. R. (1993). *Writing science: literacy and discursive power*. Falmer.
- Halliday, M. A. K., & Matthiessen, Ch. (2004). *An introduction to functional grammar*. Arnold.
- Halliday, M. A. K., & Matthiessen, C. M. I. M. (1999). Constructing experience through meaning: A language-based approach to cognition. Continuum.
- Holyoak, K. J., & Stamenković, D. (2018). Metaphor comprehension: A critical review of theories and evidence. *Psychol Bull.*, 144(6), 641-671. <https://doi.org/10.1037/bul0000145>
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. University of Chicago Press.
- Martin, J. R. (1992). *English text: System and structure*. John Benjamins.
- Martin, J. R. (1993). Technology, bureaucracy and schooling: Discursive resources and control. *Cultural Dynamics*, 6(1), 84-130.
- Rabeie, A., & Shafiee-Sabet, S. G. (2011). The effect of the translator's gender ideology on translating Emily Bronte's *Wuthering Heights*. *Journal of Teaching Language Skills (JTLS)*, 3(3), 143-158. <https://doi.org/10.22099/jtls.2012.381>
- Semino, E., & Demjén, Z. (2017). *The Routledge handbook of metaphor and language*. John Benjamins.
- Simon-Vandenberg, A-M., Taverniers, M., & Ravelli, L. (2003). *Grammatical Metaphor: Views from systemic functional linguistics*. John Benjamins.
- Simpson, P. (2014). *Stylistics a resource book for students*. Routledge.
- Steen, G. J. (2023). Thinking by metaphor, fast and slow: Deliberate metaphor theory offers a new model for metaphor and its comprehension. *Frontier in Psychology*, 14(1), 242-888. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1242888>
- Tav, M. (2006). Grammatical metaphor and lexical metaphor: Different perspectives on semantic variation. *Neophilologus*, 90, 321-332. <https://doi.org/10.1007/s11061-005-0531>
- Taverniers, M. (2003). Grammatical metaphor in SFL: A historiography of the introduction and initial study of the term. In A-M. Simon-Vandenberg, M. Taverniers, & L. Ravelli (Eds.), *Grammatical metaphor: Views from systemic functional linguistics* (pp. 5-33). John Benjamins

- Xianzhu, S., & Jing, W. (2021). Grammatical metaphor in Chinese–English translation. *International Journal of Translation, Interpretation and Applied Linguistics*, 3(1), 15-29. <https://doi.org/10.4018/IJTIAL.20210101.oa2>.